

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ اگست ۲۰۲۱

داستان اسارت "اسماعیل خان" و سقوط ولایات غربی!

(۱)

جمعه ۲۲ - ۱۴۰۰ کابل: از اخبار مهم و حتماً برای برخی ها غیر قابل پیشبینی، همزمان با سقوط شهر هرات آنهم با تسلیمی مقامات امنیتی از "معین ارشد دولتی و والی هرات گرفته، تا قومندان قول اردوی ظفر، قومندان امنیه و رئیس امنیت ضد ملی" با بقیه فرماندهان آنها، تسلیمی "اسماعیل خان" فرمانده خودخوانده "خیزش های مردمی" به طالب می باشد. از آنجائی که در رابطه با وضعیت پیش آمده دو دیدگاه یکی از هواداران "اسماعیل خان" و دیگری عناصر روشن بین هرات وجود دارد، در آغاز مختصراً هر دو دیدگاه را معرفی می داریم:

۱- طرفداران "اسماعیل خان" ادعا دارند که بعد از پیروزی های میدانی "اسماعیل خان" در رأس خیزش های مردمی و بیرون راندن طالب نه تنها از دروازه های شهر، بلکه از حومه های آن، نیروهای امنیتی دولت دست نشانده که به دستور "غنی احمدزی" آنهم به تابعیت و اجرای دستور مستقیم امپریالیسم امریکا که می بایست آن شهر را به طالب تسلیم می نمودند، ورنه همین مقدار کمک های مالی را نیز دریافت نمی کردند، نیروهای امنیتی دولت دست نشانده، در حالی که خود مخفیانه قول اردو را به طالب تسلیم نموده بودند، از "اسماعیل خان" می خواهند تا به قول اردو آمده، روی برنامه پیشروی و راندن طالب از تمام ولایت هرات، هماهنگی لازم به وجود بیاورند.

وقتی "اسماعیل خان" با همین امید به قول اردو می رود و داخل اتاق می گردد، به جای فرماندهان نیروهای امنیتی، طالب از وی پذیرائی نموده، وی را وادار به تسلیم می نمایند و بدین صورت اعلام می گردد که تمام شهر به طالب تسلیم شده است.

۲- افراد و عناصر روشن بین و مترقی هرات چه آنهایی که تا هنوز در شهر اشغال شده هرات اسیر مانده اند و چه آنهایی که در کابل امکان تماس با آنها میسر شد، خلاف داستان فوق عقیده دارند، که "اسماعیل خان" خود بخشی از پروژه تسلیم دهی شهر هرات به طالب بود. یعنی "اسماعیل خان" بر مبنای تعهدات مخفی میان جمعیت اسلامی به خصوص بخش تحت رهبری "صلاح الدین ربانی"، وظیفه داشت تا حین تسلیم دهی هرات به طالب در آنجا باشد و در حد امکان جهت انتقال آرام شهر به طالب کمک و مراقبت نماید.

مشکلی که در انجام و تحقق این هدف به وجود آمد، نفرت همگانی مردم هرات از طالب بود که به شکل خیزش های مردمی خود را مبارز ساخت و نگذاشت تا یک هفته قبل "معین ارشد سیاسی وزارت داخله" دستور "غنی احمدزی" را

عملی نماید. دولت دست نشانده و گماشتگانش در مقامات امنیتی هرات، وقتی به چنین مشکلی مواجه شدند، ناگزیر دست کمک به جانب "اسماعیل خان" دراز نمودند که وی هم با استفاده ابزاری از شعار "الله اکبر" و فریب مردم به کمک رسانه های رسمی و غیر رسمی و پخش چند عکس نمایشی با لباس های اتو کشیده و برخورداری کامل از حمایت نیروهای امنیتی دولت دست نشانده، موفق شد خود را بر جنبش خود انگیزه و بدون رهبری مردم سوار نموده آنها را زیر فرمان خود درآورد.

"اسماعیل خان" با ختم این پروژه یعنی سرقت رهبری خیزش های مردمی، چهره اصلی خود را نمایان ساخته در همسویی کامل و مطلق و به امید آن که مجدداً اداره هرات را طالب به وی و یا یکی از گماشتگانش بسپارد، شهر هرات را بعد از چندین روز مقاومت موفقانه مردمی، در اوج امید مردم به پیروزی کامل بر طالب و بیرون راندن آنها از تمام آن ولایت، به طالب تسلیم نمود.

هموطنان گرامی!

شما هر دو داستان در مورد سقوط هرات را خواندید، حال اگر قرار باشد اندکی درستی و نادرستی داستانها را مورد ارزیابی قرار دهیم، می توانیم بنویسم:

*- بادر نظر داشت این که نه تنها برای "اسماعیل خان" حتا برای تمام مردم و باشندگان هرات، کاملاً مانند روز روشن بود که "معین ارشد امنیتی وزارت داخله" را "غنی احمدزی" به منظور تسلیم دادن آن شهر در همسویی با والی شهر به آنجا فرستاده بود و از همین رو مردم شهر بعد از ناکام ساختن تلاش اولی اش او را اجازه خروج از شهر ندادند و تقریباً محکوم به تحمل "حبس داخل قطعه" از جانب مردم شده بود، اعتماد "اسماعیل خان" به وی و رفتن جهت مذاکره با او، آنهم بعد از تجربه سالها قبلش که تقریباً با عین روش به طالب فروخته شده بود و با ملاحظه این که خودش استاد ترتیب چنین توطئه هائی بود، یا برخاسته از حماقت و زایل شدن عقلش به علت کبر سن می تواند بوده باشد و یا این که درجه اعتماد بین آنها در حدی بوده که می توانست حیات خودش و مقاومت را به آنها اطمینان نماید.

*- از آنجائی که "اسماعیل خان" در شرایط فوق العاده عادی بعد از کشته شدن پسرش، با تعداد کمتر از ۲۵۰ نفر به بالاترین درجه مسلح در داخل هرات کشت و گذار نمی کرد تا چه رسد به این که در شرایط جنگ در شهر و حوالی و احتمال هر لحظه کمین، مطمئناً با "اسماعیل خان" جمعی در حدود ۲۵۰ الی ۴۰۰ تن یعنی در حد یک کندک مسلح و مجهز همراه بوده است. سؤالی که اینجا پیش می آید:

آیا طالب تنها در اتاق مورد نظر حضور مسلط داشته و یا این که تمام قول اردو را نخست اشغال نموده بودند؟ از آن جا که سلطه طالب تنها بر اتاق آنها در داخل یک قطعه عسکری با هیچ منطقی حتا فلم های هالیوودی و بالیوودی هم جور نمی آید، چه در آنصورت "اسماعیل خان" و دو سه نفر همراهش می توانستند، آن عده معدود طالب را از سر راه شان برداشته و بقیه را اگر گروگان هم می بودند، نجات دهند، مسأله چنان می شود که می بایست تمام قطعه تحت کنترل طالب قرار داشته باشد.

خوب در چنین صورتی وقتی کندک همراه با "اسماعیل خان" داخل قطعه می گردند و تا مرکز فرماندهی رهنمائی می شوند، مگر آنها شیر خر خورده بودند که متوجه دست به دست شدن قول اردو نشده اند؟ چطور ممکن است که یک قطعه عسکری با تمام ساز و برگ و تجهیزاتش به دست دشمن بیفتد آنهم دشمنی که با ریش های دراز و لباس های چرکین از دور فریاد می زنند که "ما طالب هستیم" و یا کندک متجرب و برخاسته از بستر نظامی وقتی داخل آن قطعه می گردند، متوجه تغییرات نشوند و به مانند گنجشک بی خبر و دانه خور، آرام آرام تا داخل دام حرکت نماید؟

* - هرگاه بپذیریم که کندک همراه "اسماعیل خان" و خودش به هزار و یک دلیل فریب خورده اند و بدون تبنائی، بدین دام گرفتار شده اند، سؤال دیگری که عرض اندام می نماید، چگونگی عکس العمل مردم بعد از شنیدن چنین خبر "هولناکی" چه می توانست بوده باشد؟ سرها را پائین انداختن و به طرف خانه رفتن و یا هجوم بردن بر اردو و نجات "قهرمان" شان؟

هموطنان گرامی!

مگر مردم به خاطر و با دلیری "اسماعیل خان" تفنگ برداشته بودند، که به محض دستگیری وی بدون مقاومت شهر را به طالب تسلیم نمایند و یا این که بر مبنای وظایف ملی و آزادیخواهانه و به غرض دفاع از خود و ناموس شان به چنان کاری دست یازیده بودند؟

وقتی می پذیریم که مردم آگاهانه و خودجوش بدان کار دست یازیده بودند، تسلیمی آنها نیز می باید بعد از اعمال رهبری "اسماعیل خان" بر آنها، با برنامه و به دستور وی صورت گرفته باشد ورنه مردم هرات در طول تاریخ ثابت ساخته اند، که با حرف تسلیم بیگانه آند.

* - هرچند صدور حکم قاطع در این مورد فعلاً مشکل است مگر می توان صریحاً ابراز داشت که عامل تسلیم شدن "اسماعیل خان" اگر امروز در هزار پرده و داستان کتمان گردد، فردا به محض مشاهده چگونگی برخورد طالب با وی کاملاً آشکار خواهد شد، هرچند حرمت گذاری و احترام فعلی طالب به وی و نامبرده "باعزت" به خانه رساندن، خود گواه رازهای زیادی می باشد!

ادامه دارد.